

من و انواع عشق؛ فطرت کدام معشوق را در اولویت قرار می‌دهد؟

Mentazer Mentazer

در اولویت‌بندی انواع عشق، فطرت چه نقشی دارد؟

ما در زندگی خود عاشق چه چیزهایی هستیم؟ کدام یک از آن‌ها برای ما عزیزتر هستند؟ اصلاً آیا انواع عشق‌ها و محبوب‌های خود را اولویت‌بندی کرده‌ایم؟ چطور بفهمیم اولویت‌بندی ما درست بوده یا نه؟ آیا فطرت‌مان در این اولویت‌بندی نقشی داشته است؟

ما در زندگی خود با انواع عشق طرفیم؛ مثل عشق به پدر و مادر، عشق به همسر، عشق به فرزند، عشق به ثروت، عشق به زیبایی، عشق به هنر، عشق به علم، عشق به قدرت یا عشق به یک رشته ورزشی. اولویت‌بندی انواع عشق‌ها و محبوب‌ها یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی همه ماست. ما در بسیاری از مقاطع یا دوره‌های زندگی مجبوریم از یک عشق صرف نظر کنیم و اینجاست که اهمیت اولویت‌بندی و تنظیم نظام محبتی درست مشخص می‌شود. اگر انواع عشق‌ها و محبوب‌های مان به درستی اولویت‌بندی نشده باشند، در انتخاب‌ها و تصمیم‌های زندگی دچار شک و دودلی شده و چه بسا دچار اشتباه‌های بزرگی شویم؛ مانند نمونه‌های بسیار زیادی از اشتباه‌ها در انتخاب دوست، رشته تحصیلی، شغل، همسر، محل زندگی یا اشتباه‌های دیگری که در زندگی خودمان یا دیگران می‌بینیم. قسمت تلخ ماجرا اینجاست که این اشتباه‌ها در انتخاب‌های بعدی هم تکرار می‌شوند!

Mentazer Mentazer

همه این اشتباه‌ها به این دلیل است که اولویت‌بندی ما درست و بر طبق حقیقت و فطرت انسانی مان نیست. وقتی نظام محبتی ما بر طبق خود حقیقی و فطرت‌مان نباشد، یعنی ما به صورت طبیعی عمل نکرده‌ایم و به همین علت به نتیجه دلخواه و رضایت درونی هم نمی‌رسیم. بدون شک هر چیزی که به صورت غیرطبیعی باشد عملکرد درست و مطلوب نخواهد داشت؛ مثل یک بدن غیرطبیعی که جای دست و پا در آن عوض شده باشد.

Mentazer Mentazer

به راستی چگونه می‌توانیم معشوق‌های خود را درست و بر اساس فطرت‌مان اولویت‌بندی کنیم؟ تنظیم نظام محبتی چه آثاری در زندگی ما دارد؟

چرا اولویت‌بندی انواع عشق باید طبق فطرت باشد؟

مسلم است که برای اولویت‌بندی درست معشوق‌ها ابتدا باید بخش‌های وجودی خود و انواع عشق‌هایمان را به درستی شناخته باشیم. همان‌طور که در دروس قبل یاد گرفتیم انواع عشق در ما، همان عشق به انواع کمالات در پنج بخش وجودی یعنی بخش‌های جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی است. کمالات جمادی مانند اتومبیل، خانه، جواهرات، کمالات گیاهی مانند تغذیه، قدرت بدنی، زیبایی و تولیدمثل، کمالات حیوانی مانند ازدواج، مقام و شهرت و کمالات عقلی مانند کسب علم و دانش. ما در بخش‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی با موجودات دیگر یعنی با جمادات، گیاهان، حیوانات و فرشته‌ها مشترک هستیم. بخش فوق عقل یا بخش انسانی تنها بخش متمایزکننده ما از سایر موجودات و خود حقیقی یا فطرت ماست. در واقع به واسطه داشتن همین بخش، ما را انسان می‌نامند. ما در این بخش عاشق کمال مطلق و بی‌نهایت هستیم؛ بنابراین معشوق اصلی ما معشوق فطرت ما یا همان الله است و به همین دلیل بسیار طبیعی است که اولویت‌بندی درست انواع عشق‌ها باید براساس فطرت و رسیدن به الله انجام شود.

برای فهم بهتر مطلب لازم است، آنچه تا کنون پیرامون بخش فوق عقل و معشوق آن آموخته‌ایم را با هم مرور کنیم.

بخش فوق عقل خود حقیقی یا فطرت همان روح دمیده شده از سوی خداوند در وجود ماست و به دلیل وجود این بخش است که ما عاشق کمال مطلق و بی‌نهایت، یعنی الله هستیم و جز با رسیدن به او آرامش نمی‌یابیم. همه ما به واسطه عشق به الله و حس بی‌نهایت‌طلبی ناشی از آن، عاشق کمالات نامحدود، مانند علم بی‌نهایت، زیبایی بی‌نهایت، لذت بی‌نهایت یا قدرت

بی‌نهایت هستیم و هرگز کمالات محدود دنیایی، درون ناآرام ما راضی نمی‌کنند. تنها معشوق اصلی ما، یعنی کمال مطلق و بی‌نهایت (الله) می‌تواند، حس بی‌نهایت‌طلبی ما را ارضاء کند.

حالا می‌توانیم بفهمیم، که چرا نظام محبتی و اولویت‌بندی معشوق‌ها باید بر اساس فطرت‌مان باشد، چون تنها در این صورت به معشوق اصلی و حقیقی خود و در نتیجه، به شادی و آرامش حاصل از این پیوند و هدف زندگی‌مان می‌رسیم و در حقیقت فقط در این حالت است که به عنوان یک انسان درست و منطقی عمل کرده‌ایم.

کدام عشق باید در اولویت باشد؟

گفتیم که در یک اولویت‌بندی درست و نظام محبتی طبیعی انواع عشق‌های ما بر اساس فطرت‌مان و معشوق بخش انسانی وجودمان یعنی الله اولویت‌بندی می‌شوند و فطرت است که بر بخش‌های پایینی وجود حاکمیت دارد. در این نظام محبتی مطابق قاعده‌ای که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید باید الله، اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد در راه خدا، در رأس همه معشوق‌های پایینی قرار داشته باشند.^۱ اگر نظام محبتی ما غیر از این باشد، برخلاف فطرت انسانی خود عمل کرده و دچار انحراف شده‌ایم.

لازم به ذکر است که عشق به اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد، در راستای عشق به الله و رسیدن به اوست؛ چون بدون مودت اهل بیت (علیهم السلام) و الگوگیری از ایشان شباهت و رسیدن ما به الله امکان‌پذیر نیست و عشق به جهاد نیز یعنی تلاش برای شبیه شدن به الله و مبارزه با همه چیزهایی که مانع شباهت و رسیدن ما به او می‌شود.

پس باید دقت داشته باشیم که نمی‌توانیم تنها به صرف داشتن محبت به خداوند، به حقیقت انسانی وجود خود دست پیدا کنیم؛ بلکه باید محبت و عشق خداوند، نسبت به سایر محبت‌های ما در اولویت قرار داشته باشد.

سوره توبه، آیه 124

ما باید همواره از خودمان سؤال کنیم، که آیا در همهٔ امور خداوند مبنای تصمیمات ماست و تمام ارتباطها، انتخابها، افکار و رفتارهای ما بر اساس رضایت خداوند تنظیم می‌شوند، یا سایر کمالات و معشوق‌ها، تعیین‌کنندهٔ جهت امور زندگی ما هستند؟ البته باید به این نکتهٔ بسیار مهم توجه داشته باشیم، که معشوق‌های بخش‌های پایینی نیز بسیار محترم و باارزش هستند و فطرت‌گرا بودن، دلیل بر اهمیت ندادن به آنها نیست. علاوه بر اینکه باید از آنها در زندگی دنیایی لذت ببریم، در عین حال باید تحت حاکمیت بخش فطری بوده و وسیله و ابزاری برای رشد و رسیدن ما به معشوق حقیقی وجودمان باشند. برای مثال عشق به والدین، همسر، فرزند، وطن، زیبایی، هنر یا علم، بسیار هم خوب و شایسته است؛ به شرطی که نه تنها مانعی برای رسیدن ما به الله نباشند، بلکه ما را در این مسیر یاری کنند.

حالا این سؤال پیش می‌آید که آثار و نشانه‌های یک نظام محبتی درست چیست؟

نشانه‌ها و آثار چنین درست انواع عشق

همان‌گونه که گفتیم باید در جریان طبیعی زندگی ما به عنوان یک انسان، فطرت بر طبیعت غلبه داشته و همهٔ معشوق‌های پایینی ما وسیله‌ای برای رسیدن به معشوق حقیقی وجودمان یا الله باشند. به همین علت از نشانه‌های این نظام محبتی این است که ما باید روز به روز رشد کرده و به خداوند نزدیک‌تر و شبیه‌تر شویم. برای مثال باید روز به روز مهربان‌تر، صبورتر، بخشنده‌تر و شادتر شویم، اگر غیر از این باشد، اصلاً طبیعی نیست و دچار فسق شده‌ایم؛ درست مانند یک گل داخل گلدان که اگر به جای رویش برگ‌های جدید، دائماً ریش برگ داشته باشد، اصلاً طبیعی نیست و دچار مشکل شده است. از نشانه‌های دیگر یک زندگی انسانی و غلبهٔ فطرت بر طبیعت این است که ما به راحتی به خاطر معشوق خود از هر چیزی که مانع رسیدن ما به او شود، می‌گذریم؛ مانند رها کردن شغلی که ما را از خداوند دور می‌کند. مگر نه این است که یک عاشق

به خاطر معشوق خود از بسیاری از چیزها می‌گذرد. نکته مهم اینجاست که در عشق خداوند ما با گذشتن از هر چیزی، نه تنها ضرر نمی‌کنیم، بلکه رشد می‌کنیم و به کمال مطلق و بی‌نهایت و سعادت ابدی نزدیکتر می‌شویم. در حالت کلی اگر چپ‌نشین انواع عشق‌های ما درست بوده و به معنای واقعی یک انسان باشیم، در زندگی ما همیشه فطرت تصمیم‌گیرنده است و همه انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، افکار و رفتارهای ما به گونه‌ایست که مورد رضایت معشوق‌مان، خداوند و وسیله‌ای برای رسیدن و شباهت ما به اوست.

در این درس گفتیم که بخش انسانی یا فوق‌عقلانی وجود ما، خود حقیقی یا فطرت ماست که معشوق آن کمال مطلق یا بی‌نهایت است. نظام محبتی و اولویت‌بندی معشوق‌های ما به عنوان یک انسان باید به گونه‌ای باشد که الله، اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد در راه خدا در رأس همه معشوق‌ها قرار بگیرند و به عبارتی فطرت ما بر بخش‌های پایینی وجودمان حاکمیت داشته باشد. در این حالت است که روز به روز به معشوق حقیقی‌مان نزدیک‌تر و شبیه‌تر می‌شویم؛ بنابراین مبنای اینکه چه قدر از حقیقت انسانی برخوردار هستیم، این است که به چه میزان بخش انسانی یا فطرت‌مان بر بخش‌های پایینی یا طبیعت‌مان غلبه دارد.

منتظر نظرات ارزشمند شما درباره نقش فطرت در نظام محبتی و اولویت‌بندی انواع عشق هستیم.